

از آن زمان که سایبرنتیک (Cybernetics) دیگر به علمی دانشگاهی محدود نبود و فضای سایبری با رایاسپهر (Cyberspace) آرام‌آرام پر زندگی روزمره تأثیر گذاشت، توجه جامعه‌شناسان به آفرینش‌های اجتماعی این حوزه جلب شد. جنسیت نیز به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، همواره نقش قابل توجهی در مطالعات جامعه‌شناختی دلیل عدم‌نیاز نخبگانی به پرداخت مسائل مردان، مطالعات جنسیت تا سال‌ها در جهان و حتی تا امروز در ایران، به مطالعات زنان منحصر شده است. این زمینه تخصصی که ماهیت میان‌رشته‌ای و چه‌بسا فرا رشته‌ای دارد، به تحلیل مسائل زنان و مسئله زن در حوزه‌های گوناگون می‌پردازد. فضای سایبر نیز از این قاعده مستثنی نیست و پژوهشگران مطالعات زنان و مطالعات سایبر، هر دو به این مسئله توجه نشان داده‌اند. پژوهش‌های بسیاری پیرامون زنان و سایبر به انجام رسیده و پرسش‌های متعددی در برابر هر دو حوزه گذارده است: سهم زنان از دانش سایبرنتیک چیست؟ فضای سایبری چگونه بر عاملیت زنان تأثیر می‌گذارد؟ بازنمایی سایبری از زنان در جوامع گوناگون چگونه است؟ و پرسش‌های دیگر از این دست.

چالش‌شی‌انگاری زنان

یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، مسئله شی‌انگاری زنان در فضای سایبری است. شی‌انگاری (Objectification) به معنای تقلیل شخص به جسم و مواجهه با او به‌عنوان یک شی‌ است. در طول تاریخ، نادیده گرفتن شخصیت انسانی زنان، تمرکز بر ظاهر زنانه و قضاوت زنان بر اساس زیبایی‌های جسمی و ظاهری، ریشه‌های شی‌انگاری آنان را در باورهای اجتماعی دوانده و حالا فضای سایبری این نوع مواجهه را عمق بخشیده است. گسترش انتشار تصاویر زنان با معیارهای زیبایی خاص و افزایش برهنگی در پوشش و رفتار، مخاطبان فضای مجازی را روزانه در معرض تصاویر بی‌نهایت زنانه قرار می‌دهد که از الگوهای زیبایی خاصی پیروی می‌کنند. این پدیده نه‌تنها در محتوای تبلیغاتی و تصاویر بازاریابی مشهود است، بلکه در الگوریتم‌های هوش مصنوعی، سوگیری‌های داده‌کاوی و سیاست‌های طراحی

پلتفرم‌ها نیز به چشم می‌خورد. تبلیغات هدفمند که بر اساس تحلیل رفتار دیجیتال کاربران طراحی می‌شود، اغلب زنان را با ویژگی‌های ظاهری خاص به تصویر می‌کشد و آنان را به مصرف‌کنندگان منفعل یا نمادهایی کلیشه‌ای فرومی‌کاهد.

پیامدهای شی‌انگاری دیجیتال

بسیاری از پیامدهای این رویه، در مورد خود زنان رخ می‌دهد. زنان از نوجوانی، دچار نارضایتی از بدن و ظاهرشان می‌شوند و این مسئله، به‌شدت بر سلامت روان آنان مؤثر می‌افتد. رقابت بر سر کسب هر چه بیشتر معیارهای زیبایی، توجه افراط‌گونه به مَد در پوشش و آرایش، عمل‌های جراحی زیبایی، الگوهای غذایی نامتعادل و رقابت دائمی بر سر زیبارت بودن، زنان را در واقعیت نیز از توجه به شخصیت خود بازمی‌دارد و آنان را به همان چیزی تقلیل می‌دهد که فضای سایبر از زنان نمایش داده است؛ منفعل، زیبا، مورد پسند و البته ناآگاه. این روند تا آنجا ادامه می‌یابد که شاهد خودشی‌انگاری زنان هستیم، به این معنا که درک زنان از خودشان به‌عنوان یک انسان، به یک زن با ظاهر زیبا تغییر می‌کند. پژوهش‌ها با

در طول تاریخ، نادیده‌گرفتن شخصیت انسانی زنان، تمرکز بر ظاهر زنانه وقضاوت زنان بر اساس زیبایی‌های جسمی و ظاهری، ریشه‌های شی‌انگاری آنان را در باورهای اجتماعی دوانده و حالا فضای سایبری این نوع مواجهه را عمق بخشیده است

تحلیل تصاویری که زنان از خود در فضای مجازی منتشر می‌کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که زنان با برهنگی بیشتر و عکس‌انداختن از زوایای خاصی که جذابیت‌های ظاهری آنان را افزون می‌سازد، عملاً به شی‌انگاری دامن می‌زنند. همچنین تحلیل میزان بازخوردها به تصاویر منتشرشده از زنان نشان می‌دهد همچنان معیار پسند آنان، حفظ ملاک‌های جذابیت زنانه از



منظر مردانه است. این شی‌انگاری دیجیتالی را می‌توان بازتابی از مناسبات قدرت در جهان واقعی دانست. بسیاری از پژوهشگران معتقدند این پدیده به دلیل عدم حضور گسترده زنان در فرایند طراحی و توسعه فناوری شکل گرفته است. برای مقابله با این چالش، راهکارهایی همچون افزایش مشارکت زنان در حوزه فناوری، تدوین چارچوب‌های اخلاقی برای هوش مصنوعی و ارتقای سواد دیجیتالی پیشنهاد شده است، اما بازتوجه به پدیده خودشی‌انگاری زنان و تداوم فعالیت‌ها بر مبنای پسندهای مخاطبان، نمی‌توان انتظار داشت سهم‌شدن زنان در فرایندهای پیشینی، تغییر قابل توجهی در این زمینه ایجاد کند. اینجاست که باید توجه داشت فضای سایبری به‌عنوان رستی نوظهور، فرصتی برای بازتعریف نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی نیز فراهم می‌آورد، اما این بازتعریف تنها زمانی به شکلی عادلانه رخ خواهد داد که نقد ساختاری و آگاهانه نسبت به بازنمایی‌های جنسیتی در این فضا شکل گرفته و از عناصر و ظرفیت‌های فرهنگی در راستای حذف این نگرش به زنان بهره گیریم.

شی‌انگاری زنان» این بار در رایاسپهر

پیامدهای فضای سایبری مدیریت‌نشده در جامعه ایرانی

جامعه ایرانی نیز همگام با دیگر جوامع، تأثیرات گسترش فضای سایبری و پیامدهای منفی آن رخ می‌برد، راهایی بیش از هنجاری که فضای سایبری مدیریت‌نشده در اختیار کاربران آموزش ندیده می‌گذارد، تأثیرات منفی ماجرا را دوچندان می‌سازد. این معضل به‌ویژه به دلیل تفاوت‌های فرهنگی عمیق میان جامعه ایرانی و جوامع غربی، انسان ایرانی را که در پس‌زمینه‌های فرهنگی خود با مفاهیمی چون حیا، رفتار غفیفانه و حفظ حریم خو گرفته است، به‌نوعی گسیختگی فرهنگی دچار می‌کند. یکی از امکانات فرهنگی که در این زمینه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، تأثیر مفهوم حفظ حریم در عرصه شخصی به‌منظور جلوگیری از شی‌انگاری عمومی است. فرهنگ حجاب به‌عنوان نگرشی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و دینی از بسیاری از جنبه‌های شی‌انگارانه که در فضای عمومی یا حتی فضای سایبری به زنان تحمیل می‌شود، جلوگیری می‌کند. در جوامعی که بدن زن به ابزاری برای تبلیغات یا جلب‌توجه در رسانه‌ها بدل شده است، پوشش و ایجاد حریمی آگاهانه در مسیر عمومی شدن و در معرض پسند و ناپسند قرار گرفتن بدن، می‌تواند نقش بارز اندامی در کاهش نگاه ابزاری به زنان ایفا کند. این تأثیر به طور خاص در فضای دیجیتال قابل‌مشاهده است. در بسیاری از محتواهای تصویری و تبلیغاتی که سوه‌آن زنان هستند، پوشش‌های آزادتره ابزاری برای جذب مخاطب و بازتولید کلیشه‌های جنسیتی تبدیل می‌شود. در مقابل، حضور زنان با پوشش‌های متناسب با فرهنگ حفظ حریم در این فضا، می‌تواند به بازتعریف معیارهای زیبایی و حضور اجتماعی زنان کمک کند و نگاه صرفاً کالا محور به آنان را به چالش بکشد. البته دیگرانی معتقدند صرف پوشش نمی‌تواند به طور کامل از شی‌انگاری زنان جلوگیری کند و تغییر نگرش در کل این مسئله خود نشان دهنده چالش‌های فرهنگی و رسانه‌ای نیز ضروری است، بااین‌حال پوششی مبتنی بر فرهنگ حجاب، به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی می‌تواند در کاهش این نگاه ابزاری به زنان نقش قابل توجهی داشته باشد و زنان را از فروغلتیدن در خودشی‌انگاری برهانَد، هرچند باید توجه داشت تغییر در این مسیر، نیازمند آگاهی زنان از پیامدهایی است که شی‌انگاری برای جامعه زنانه آنان در پی دارد تا مبارزه با بازنمایی شی‌انگارانه زنان از سوی خود زنان و با عاملیت آنان رقم بخورد.

*دانشجوی دکترای مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

غیر ضروری ترغیب می‌کنند.

۳. فشار اجتماعی ناشی از مقایسه مجازی – تحقیقات نشان می‌دهد ۴۷درصد زنان ایرانی پس از مقایسه ظاهر خود با اینفلوئنسرها، از خود ناراضی‌تر شده‌اند.

راهکارهای کاهش اثرات منفی فضای مجازی

- آموزش سواد رسانه‌ای: زنان باید یاد بگیرند که تصاویر فضای مجازی اغلب واقعی نیستند و با فتوشاپ یا فیلتر تغییر یافته‌اند.
- تشویق به محدود کردن مصرف محتوای آسیب‌زننده: کاهش زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی که محتوای سمی زیبایی منتشر می‌کنند.
- حمایت از کمپین‌های بدن مثبت‌گرا: تقویت پچ‌ها و افرادی که تنوع زیبایی را ترویج می‌دهند.
- مرآجه به روان‌شناسان و متخصصان: مشاوره برای کسانی که دچار اضطراب شدید نسبت به ظاهر خود هستند.

*شمشیری دولبه

فضای مجازی شمشیری دو لبه است؛ هم می‌تواند باعث نارضایتی زنان از ظاهرشان شود و هم ابزاری برای افزایش خودپذیری و تنوع زیبایی باشد. فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام، با تبلیغ استانداردهای غیر واقعی، سهم قابل توجهی در افزایش جراحی‌های زیبایی در ایران داشته است. زنان جوان، اصلی‌ترین گروه تحت تأثیر این فشارهای مجازی هستند، بنابراین با توجه به فشارهای فرهنگی و اجتماعی، نیاز به آگاهی بخشی و مدیریت مصرف محتوای مجازی بیش از پیش احساس می‌شود. زنان باید یاد بگیرند که ارزش آنها به ظاهرشان محدود نمی‌شود و زیبایی در تنوع و سلامت معنا پیدا می‌کند.

زن در آئینه جلال و جمال

اگر سؤال اصلی درباره مسئله زن را این بدانیم که در میان دیدگاه‌های گوناگون درباره جایگاه زن از مردسالاری تا زن‌سالاری و تساوی مطلق چطور می‌توان به تصویری

حقیقی و جامع از هویت زن دست یافت در این صورت کتاب «زن در آئینه جلال و جمال الهی» اثر حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، پاسخی عمیق و ریشه‌ای به این پرسش است. کتاب محصول سخنرانی‌های ایشان در سال‌های ۱۳۶۹ – ۱۳۶۸ برای طلاب زن جامعه الزهراء قم است که از سوی محمود لطیفی گردآوری شده و به همت انتشارات اسراء به چاپ رسیده است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی فلسفی، عرفانی و قرآنی، نه تنها به ابهامات پاسخ می‌دهد، بلکه در پیچهای جدید به سوی فهم جایگاه رفیع زن در منظومه فکری اسلام می‌گشاید و بسیاری از باورهای نادرست رایج در مورد زنان را به چالش می‌کشد. کتاب خواننده را به یک تمایز کلیدی رهنمون می‌شود: تفاوت میان انسان بودن زن و مرد، با جنسیت آنها. این تمایز بنیادین، سنگ بنای درکی صحیح از جایگاه زن است. کتاب «زن در آئینه جلال و جمال الهی» اثر حضرت آیت‌الله جوادی آملی یکی از مهم‌ترین آثار حوزه زنان از نگاه اندیشمندان اسلامی محسوب می‌شود.

*مباحث کلیدی و رویکرد کتاب

یکی از مهم‌ترین ادعاهای کتاب این است: جنسیت زن و مرد، هرگز بر حقیقت انسانی و ایمانی آنها تأثیر ندارد. اصالت وجود انسان با روح اوست، نه بدن و حال آنکه جنسیت امری بدنی است. روح و حقیقت انسان نه مؤنث است و نه مذکر. عقل نظری که وصفش علم و اندیشه است، دل که کارش کشف و شهود است و جان که وصفش فجور و تقواست، هیچ‌یک نه مؤنث و نه مذکرند. این نگاه، نه تنها بنیان فکری کتاب را پی‌ریزی می‌کند، بلکه هر گونه تبعیض ارزشی مبتنی بر جنسیت را ریشه‌کن می‌سازد.

کتاب با تعبیری زیبا بیان می‌کند: جلال زن در جمال او نهفته است و جمال مرد در جلال او. این یک توزیع حکیمانه وظایف الهی است. زن، معارف و معلوماتی را که با عقل خود به دست آورده، با ظرافت و زیبایی اشکار می‌سازد. مثلاً در دفاع از دشمن، فردنش را با لطافت و ظرافت به مبارزه تشویق می‌کند و با به تصویر کشیدن عقل در زیباییِ ایشان، بر خلاف خواش نفسانی‌اش عمل می‌کند. سرد نیز وظیفه دارد احساسات و مواطف زیبا را در صلابت و پایداری عقل جلوه‌گر کند تا قوام خانواده و جامعه محقق شود.

*تبعیت جایگاهی، نه جنسیتی

یکی از نکات بر جسته کتاب، تبیین مفهوم تبعیت زن از مرد در خانواده است. کتاب عنوان می‌کند یک تبعیت زن از مرد یک اصل ثابت و جنسیتی نیست، یعنی این تبعیت به معنای تبعیت جنس مؤنث از جنس مذکر نیست این تبعیت به خاطر جایگاه است، نه جنسیت، بنابر این اولا در همه امور نیست و ثانیاً مطلق نیست. به عنوان مثال، در همین خانواده، سر به عنوان جنس مذکر باید از مادر به عنوان جنس مؤنث پیروی کند که این مسئله خود نشان دهنده ترجیح جایگاه به جنسیت است. کتاب تأکید می‌کند که تفاوت در جنسیت، یک تفاوت صرفاً اسمی و ظاهری نیست، بلکه منجر به تفاوت‌های ملموس واقعی در خارج شده و همین تفاوت‌های واقعی نیز طبیعتاً به تفاوت وظایف و نقش‌ها منجر می‌شود. این تفاوت‌ها به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه به معنای مکمل بودن و توزیع حکیمانه نقش‌هاست.

*پاسخ به شبهات رایج درباره زنان

یکی از نقاط قوت کتاب، پاسخ‌های عالمانه و مستدل به شبهاتی است که در مورد زنان در طول تاریخ و حتی امروز مطرح می‌شود. این پاسخ‌ها بر پایه استدلال‌های عقلانی و قرآنی بسیار قوی بنا شده‌اند. کتاب به طور خاص به بحث تفاوت عقلی بین زن و مرد می‌پردازد و مغلطه‌ای را که در اثر اشتراک لفظ عقل رخ می‌دهد، روشن می‌کند. کتاب توضیح می‌دهد عقلی که در آن زن و مرد تفاوت دارند، غیر از عقلی است که مایه تقرب الی‌الله و کمال انسانی است. به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است تفاوت‌هایی در عقل اجتماعی (مربوط به نحوه مدیریت در برخی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و ریاضی) بین زن و مرد وجود داشته باشد، اما این به معنای تفاوت در عقلی که معیار قرب الهی و کمال انسانی است، نیست. با این استدلال، هر گونه برتری ارزشی مرد بر زن را به دلیل تفاوت‌های عقلی قاطعانه رد می‌کند کتاب بر این نکته تأکید دارد که جهاد نفس است، این در حالی است که جهاد اصغر (جهاد با سلاح و آهن) برای زن لازم نیست، اما جهاد مهم‌تر که هر مؤمنی باید آن را انجام دهد، جهاد نفس است که زن بیشتر از مرد برای آن مهیاست.

*ساختار و بخش‌بندی کتاب

کتاب «زن در آئینه جلال و جمال» در پنج بخش اصلی تدوین شده است که هر یک به جنبه‌ای عمیق از هویت و جایگاه زن می‌پردازد:
مقدمات و مبانی: این بخش پایه‌ای برای درک مباحث عمیق‌تر بعدی فراهم می‌کند و وجه تسمیه کتاب را توضیح می‌دهد.

زن در قرآن: جایگاه و نقش زنان از منظر قرآن در خانواده و اجتماع بررسی می‌شود. تأکید می‌شود که منشا پیدایش تمامی زنان و مردان یکی است و زنان نیز می‌توانند به‌عالی‌ترین مراتب کمال دست یابند. به زنان الگو از منظر قرآن (مانند مریم و آسیه) که هم الگوی زنان و هم مردان هستند، اشاره می‌شود.

زن در عرفان: شخصیت زن از دیدگاه عرفان ناب و اسلامی بررسی می‌شود. نکته مهم این است که زنان به دلیل برخورداری از عاطفه و احساس بالا، حرکت در مسیر سلوک الهی و رسیدن به کوی جلال و جمال برای‌شان هموارتر است.

زن در برهان (فلسفه): این بخش بر عدم تفاوت فلسفی و عقلی بین زن و مرد تأکید دارد. همچنین به حضور زن در صحنه سیاسی اشعار و نمونه‌هایی از زنان با نقش‌های سیاسی مهم (مانند سوده همدانی) ذکر می‌شود. کتاب از کسانی که زن را محجوب به معنای محرومیت از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانند، انتقاد می‌کند.

حل شبهات و روایات معارض: به حل منطقی روایات متشابهی که احیاناً شبهه‌هایی را در این زمینه به بار آورده، پرداخته است. در این فصل به شبهاتی نظیر نقص عقل و دین زنان، دیه متفاوت، حجاب، نماز قضا و پدر و مادر، انتساب سیادت و تصدی امور اجرایی از سوی زنان پاسخ داده می‌شود. نویسنده بر لزوم برخورداری زنان از قدرت‌های سیاسی و اجتماعی و خضوع در پیشگاه خداوند تأکید می‌کند و حتی به نقش زنان «ابوذرگونه» در پیشبرد مسائل نظامی صدر اسلام اشاره دارد.

*مخاطب کتاب

این کتاب با عبارات تخصصی فلسفه و منطق نوشته شده، اما با این حال برای عموم قابل فهم است. اگرچه داشتن اطلاعات مقدماتی فلسفی به درک عمیق‌تر آن کمک شایانی می‌کند. متن دقیق، روشن‌گرانه و نسبتاً جامع است، به طوری که به احتمال زیاد به حداقل یکی از شبهاتی که در ذهن خواننده است، پاسخ خواهد داد. روان و علمی است و با وجود عمق مباحث، سریع پیش می‌رود. جدای از کیفیت بالای بحث‌ها، همین که بسنجاری از مباحث مرتبط با زن مطرح و به آنها پرداخته شده، ارزشمند است. این کتاب برای کسانی که دارای حد کافی از اطلاعات و مطالعات دینی هستند، بسیار سودمند خواهد بود. نه تنها به شبهات رایج پاسخ می‌دهد، بلکه دیدگاهی متعادل و الهی نسبت به زن ارائه می‌دهد که بر پایه کرامت و استعدادهای بی‌نهایت از استوار است. خواندن این کتاب برای هر کس که در پی درکی صحیح، عمیق و متعادل از جایگاه زن در اسلام است- فارغ از جنسیت، دین و باور- نه تنها توصیه، بلکه ضروری است. بیایید باهم به عمق این آینه بنگریم و جلال و جمال حقیقی زن را کشف کنیم.

منبع: KHAMENEI.IR